

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1389/12/17



ادامه بحث احکام حیوان مجهول الحال
درباره احکام حیوان مجهول الحال بحث کردیم
مرحوم سید یزیدی در دو قسمت اوراث و ابوال و لحوم بحث کرده است
مرحوم سید (ره) این مسئله را با دو تا حکم بیان فرمودند حکم اول طهارت ابوال و اوراث
حکم دوم حرمت اکل درباره ابوال و اوراث مفصل بحث کردیم شکر خدا کامل شد و مستوفی
بحث شد و حکم شرعی هم گفته شد
بحث در حرمت لحم حیوان مجهول الحال
اما بحث دوم حکم به حرمت لحم حیوان مجهول الحال سید (ره) فرمودند که حیوان
مجهول الحال لا يجوز اكل لحمه للاصل
حرمت اكل به خاطر اصل عدم تزکیه و عدم طهارت
اصل کدام است اصل عدم تزکیه به تفصیل سید الحکیم (ره) و سید الاستاد (ره) و الا
خودش فقط اصل گفته لازم است اصل عدم تزکیه را یک توضیح بدهیم که هم اینجا به درد
می خورد و هم جاهای دیگر
اصل عدم تزکیه در حیوانات
عنوان بفرمایید اصاله عدم تزکیه در حیوانات در این رابطه باید در نظر بگیریم که اصاله
عدم تزکیه در حیوانات دو مورد دارد مورد
در لحوم و جلود
اول لحوم و جلود است درباره لحوم و جلود همان قاعده عدم تزکیه حاکم و جاری است
قاعده ای که مورد اجماع فقهاست و نصوصی از آیات و روایات در حد کافی هم وجود دارد
اختلافی هم بین فقها وجود ندارد ان قاعده که خود یک قاعده فقهی و یک اماره هست
درباره لحوم و جلود بعد از مرگ حیوان است در حال حیات حیوان نیست همیشه جاری
است حتی در منطقه ای که مسلمان نشین هم باشد ولی زیر پوشش سوق قرار نگیرد اگر در

قلمرو سوق مسلمين بود قاعده سوق حاكم بر قاعده عدم تزكيه است و منظور از سوق خود سوق به معنای خاص نیست سوق مسلمين يعني در حوزه و قلمرو لذا اگر استخوان حيوان مرده اي را در بيابان ببينيد بيابانهائي كه در كشور اسلامي است اینجا يك شرح را عنایت كنيد جزء مسائل مورد سوال هم بوده يك شرح دارد مسئله روشن بشود شرحش اين است كه وادي و صحرا طبيعتش فرق مي كند يك مرتبه مي بينيم وادي و صحرا طوري است كه در قلمرو و محل كنار گذاشتن زباله هاي شهر است در اين صورت استخوان حيوانات محكوم به حليت است

اما اگر صحاري و بيابانها وسيع است از قلمرو و حوزه حيازت بيرون است حيوانات هم انجا زندگي مي كنند مرگ و مير دارند شكار دارند طبيعتا انجا ديگر قاعده سوق جاري نمي شود مثلا در عمق جنگل مازندران اگر استخواني ديده بشود جايي براي قاعده سوق نیست همان قاعده عدم تزكيه جاري است اين را سوال مي كنند ظاهرا در بعضي از كشورها استخوانها را جمع مي كنند و مي فروشند مسئله قاعده عدم تزكيه اعتبارش كه گفتم اعتبار قاعده فرق بين قاعده و اصل گفته شده بود يك فرقيش اين بود كه قاعده دليل اعتبارش دليل اولي قطعي معتبر است اين يك فرق بين اصل در خود حيوان زنده

اما مورد دوم اصالة عدم تزكيه نسبت به خود حيوان زنده ببينيد درباره حيوان زنده اصالة عدم تزكيه داريم يا نداريم بحثي است گفته مي شود كه سيد طباطبائي يزدي (ره) لا يجوز اكل لحمه للاصل اصل هم اصل عدم تزكيه چگونه اصلي است اصل قابليت تزكيه در حيوانات

اين اصل عدم تزكيه در اینجا ارتباط دارد با يك اصل ديگر اصل ديگر مربوط است به قابليت حيوان براي تزكيه به اینجا ربط پيدا مي كند كه بعضي از عزيزان سوال مي كردند اين قسمت از بحث بدین گونه است كه شك مي كنيم كه حيوان بما هو حيوان در كل قابليت تزكيه دارد يا قابليت تزكيه ندارد بعد مي گوييم اصل در حيوانات قابليت تزكيه است يا اصل در حيوانات عدم قابليت تزكيه است مرحوم سيد حكيم (ره) در كتاب مستمسك جلد 1 صفحه 291 مي فرمايد كه غير واحد من الفقهاء مي گویند اصل در حيوانات قابليت تزكيه است

فرمايش صاحب حدائق الناضره

مرحوم صاحب حدائق (ره) مي فرمايد لا خلاف بين اصحابنا تا انجايي كه من ديدم كه اصل در حيوانات قابليت تزكيه است مگر ان مواردی كه به خصوص از قلمرو قابليت تزكيه خارج شده است كه مي گوید سه تاست كلب و خنزير و انسان قابل تزكيه نیست بنابراین ما به عنوان يك اصل اين اصل را قبول كرديم و گفتيم كه صاحب حدائق مي فرمايد كه اختلافي وجود ندارد كه اصل در حيوانات قابليت تزكيه است مگر ان مواردی كه كلب و خنزير است كه به دليل خاص عدم قابليت تزكيه شان اعلام شد اين اصل را اگر پذيرفتيم و ثابت كرديم مسئله و حكم جهت پيدا مي كند و اگر ثابت نشد مشكل ما بيشتر خواهد بود

فرمايش مرحوم اقاي خويي در اين زمينه و استدلال ایشان

بنابراين سيد الاستاد (ره) هم در كتاب تنقيح العروه جلد 2 صفحه 409 مي فرمايد كه قابليت حيوان براي تزكيه توسط عمومات ثابت است از اين عمومات ايه قران و رواياتي را

مطرح و متعرض مي شوند

ايات مورد استناد در اصل قابليت تزكيه

اما ايه قران سوره انعام ايه 145 ايه معروفی که فقها به این ایه استناد می کنند قل لا اجد فیما اوحی الی محرما علی طائم یطعمه الا ان یکون میتا او دما مسفوح او لحم خنزیر از این ظاهرش می فرماید که بگو ما در آنچه بر وحی شده است حرامی برای خوردنی نیافتیم مگر اینکه میته باشد و دم مسفوح و لحم خنزیر اینها استثناء شده است غیر از این موارد استثناء بقیه موارد قابلیت تذکيه دارند از این ایه این عموم را استفاده کرده اند 1. ایه قراین است 2. ایه از محکّمات است 3. فهم اصحاب است که گفتیم اعتبار فهم اصحاب مثل اعتبار کارشناسان است

نسبت بین قابلیت تزکیه و محلل الاکل

و نکته را اینجا توجه کنیم قابلیت تزکیه با حلیت لحم عموم و خصوص مطلق است هر چیزی که محلل الاکل است قابلیت تزکیه هم دارد و هر چیزی که قابلیت تزکیه دارد محلل الاکل نیست مثلا ذئب و سعله و گرگ و روباه و بعض این حیوانات دیگر قابلیت تزکیه دارد تزکیه چه نقشی دارد پوستشان طاهر می شود عمده ترین دلیل هم پیش فقها این ایه است ما در دلالت این ایه عجالتا مشکلی احساس نمی کنیم اما ایه دوم که ندیدم فقها استناد کرده باشند ولی می شود از ان ایه هم کمک گرفت همین سوره ایه 119 و ما لکم الا تاكلوا مما ذکر اسم الله علیه و قد فصل لکم ما حرم علیکم این ایه دلالتش شاید از ایه قبلی بهتر باشد ترجمه ازاد و مضمونش این است که چیزی که ذبح شرعی بشود و اسم خدا برده بشود در وقت ذبحش دیگر ابائی نداشته باشید چرا احتیاط می کنید انجاهایی که حرام بود و قابلیت تزکیه نبود فصل لکم انها را که برایتان توضیح دادیم بنابراین اصل در کل حیوانات قابلیت تذکيه است قد فصل لکم خدا یا پیامبر یا قران تفصیل داد برایتان آنچه حرام بود جایی که جزء بیان شده ها نیست تزکیه می شود قابلیت تزکیه است احتیاط هم به خرج ندهید و شک نکنید این ایه دلالتش بر اصاله قابلیت تزکیه برای حیوانات از ایه اول لعل واضح تر و بهتر

سوال موضوع ایه اکل است جواب ما در این بخش دوم مسئله روی حلیت لحم زون کردیم طهارت بول و روث بخش اول مسئله بود فعلا. محور حلیت لحم است این ایه حلیت لحم را ثابت می کند و قابلیت تزکیه گفتیم حلیت لحم درباره حیوان مشکوک دارد ارتباط دارد با قابلیت و در قابلیت هم بحث است که اصل قابلیت حیوان برای تزکیه است یا اصل عدم قابلیت عده ای از اصحاب صاحب حدائق سید الخویی می فرمایند که اصل در حیوانات قابلیت در تزکیه است دلیلشان ایه قران بود و روایات کتاب وسائل جلد 16 ابواب ما صید بالصلاح از کتاب صید و ذبائح باب 16

سوال ایه دوم که استدلال فرمودید نسبت به اول که اطلاق دارد قسمت دوم موید ایه قبلی است جواب شما دفاع خوبی کردید از فقها که چرا تعرض نکرده اند روایات مورد استناد

اما روایاتی که دلالت دارند بر قابلیت کل حیوان برای تزکیه طبق شرح و استدلال سید الخویی ایشان می فرماید روایت اول روایت سندش صحیح است طبق سنت روات را اسم ببرید محمد بن یعقوب که شیخ کلینی عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد این سه تا

اگر با هم آمدند همین اشیاء اقطاب محدثین قمیین است اشعری ها عن عبد الرحمن ابی نجران که توثیق خاص دارد عن عاصم بن حمید توثیق خاص دارد عن محمد بن قیس که مسندی دارد از امیر المومنین که خود از اجلاء و ثقات است عن ابی جعفر امام باقر (علیه السلام) **من جرح صیدا بسلاح و ذکر اسم الله علیه ثم بقي ليله او ليلتين لم ياكل منه سبع و قد علم ان سلاحه هو الذي قتله فلياكل منه ان شاءمي** فرماید از این حدیث استفاده می شود که در صید وقتی که توسط اسلحه صیاد به قتل برسد از گوشتش بخورید یعنی کدام صید عمومیت دارد خود صید اطلاق دارد اختصاص نیافته است که صید خاص اهو باشد بز کوهی باشد مثلاً. نیاز به این ندارد از صیدش اطلاق می فهمیم و این روایت می شود دلیل برای قابلیت کل حیوان برای تزکیه این شرح و استدلال از ایشان

اما روایت دوم را هم سید الاستاد متعرض می شود که می خوانیم این روایت هم باب 32 از کتاب صید و ذبائح حدیث اول صحیحہ حلبی سند را بخوانیم محمد بن الحسن شیخ طوسی باسناده الحسین بن سعید اسناد شیخ به حسین بن سعید که همان حسین بن سعید اهوازی هست عن ابن ابی عمیر که چهار هزار و چهارصد روایت دارد که مراسیل ابی عمیر کمسانیده عن حماد بن عیسی یا عثمان فرق نمی کند دو تایش ثقہ است منتها یکی از ان از اصحاب اجماع است عن الحلبي که اظهر من الشمس از اباعبدالله قال **سالت اباعبدالله عليه السلام عن صيد الحيطان و ان لم يسم فقال لا بأس** از شکار ماهیان سوال کرد جمع حوط حیطان آمده حوط را ماهی صید می کنیم ولی اسم خدا نبرده الله اکبر بسم الله الرحمن الرحيم نگفته امام فرموده لا. باس این لا. باس اطلاق دارد به تزکیه این گونه صید در حالی که می بینیم ماهیان و حیطان بعضی از انها فلس ندارند محلل الاکل نیستند ولی گرفتن ان از اب تزکیه است همه این حیوانات قابلیت تزکیه دارند این دو تا روایت هم گفته شد درباره اصله قابلیت تزکیه للحيوانات

اما همان طوری که عزیزان اشاره می فرمودند دلالت روایت بر مطلوب کامل نیست گفته ایم یک نکته در دلالت نکته مهمی بود که جهت علاوه بر ظهور لفظی جهت روایت را تشخیص بدهید در روایت اول جهت روایت این است که آیا صیدی که بوسیله سلاح صیاد به قتل می رسد یک شب و دو شب گم می شود نمی دانیم بعد به ان بر می خوریم محکوم به طهارت است جهت روایت این است روایت در جهت بیان قابلیت تزکیه نیست بله روایت در جهت بیان حلیت صید به وسیله سلاح صیاد که قبض صید فاصله گرفته باشد یک شب یا دو شب گم شد امام می فرماید که اگر علم پیدا کنید که سبعی به او قتل نرسانده است و علم پیدا کنید که بوسیله همان اسلحه شما به قتل رسیده باشد پاک است بیان جهتش معلوم است از قابلیت و عدم قابلیت اصلاً در این روایت خبری نیست در جهت بیان قابلیت تزکیه نیست مسلماً در جهت بیان صحت اصتیاد است که اصتیاد اثرش را می کند ولو از چشم صیاد ساعاتی مختفی بشود به شرط اینکه علم حاصل کند که بوسیله سلاح صیاد به قتل رسیده باشد

سوال شرائط صید صیاد چیست جواب با اسلحه زده و صید را کشته الان اگر بوسیله سلاح صیاد کشته بشود این صحت اصتیاد است ژسوال و جواب خود تیر صیاد که بخورد به صید بوسیله خود ان تیر کشته شود این صحت اصتیاد است اگر بخورد نیمه جان بشود بعد گرگ بیاید ان را به قتل برساند صحت اصتیاد نیست روایت دوم هم دلالتش بلا اشکال نیست

روايت دوم اين بود كه درباره صيد ماهي بود اولاً. به قول ايشان فقط مخصوص مي شود درباره ماهيان كه ماهي يك بخش از از حيوانات است احتمال مي دهيم كه خصوصيت داشته باشد كل حيوانات با ماهي قابل مقايسه نيست دليل اخص از مدعاست مدعاي ما كل حيوانات است دليل شما فقط ماهي را مورد نظر گرفته است اولاً دليل اخص از مدعاست و ثانيا تزكيه حيوانات بحري كه فقط قسم خاصشان باشد كه ماهي است حيوانات بحري زياد است كل حيوانات بحري را حيطان شامل نمي شود بنا بر اين اين روايت اولاً قلمرو اش خاص است و ثانيا درباره مدلول خودش هم اطلاق ندارد فقط ماهي را مي گيرد دلالت دارد بر تزكيه ماهي و قابليت تزكيه براي ماهي ملازمه ندارد با قابليت تزكيه براي كل حيوانات مدعاي ما اين است كه قابليت براي تزكيه براي كل حيوانات ثابت بكنيم المتحصل كه تا به اينجا 1. عدم خلاف 2. ايه قران 3. رواياتي هم گفته شده بود ادله اي است دال بر قابليت حيوانات براي تزكيه منتها به روايات كه ما اشكال كرديم ايات و نفي خلاف به قوت خودش باقي است فعلاً. به اين نتيجه رسيديم اصل در حيوانات قابليت تزكيه است دليل ايه 145 سوره انعام فهم فقها و نفي خلاف فقها و اعظم مسئله ادامه دارد ان شاء الله براي فردا